سلاح طنز و طنز پردازی

ابراهیمی، صادق

طنز، هنر دیرین آدمی است که دربرخورد با ناسازی‏های اجتماعی و ناهنجاری‏های فردی یا برخی حالات فردی و اجتماعی بروز می‏کند. طنز با برداشت و تعریف‏های متفاوت معرفی شده‏است و عموم طنزپردازان سعی کرده‏اند این هنر را از جلوه‏های دیگر برخورد با نارسایی‏ها، کمبودها، بدخلقی‏ها، خودخواهی‏های فرد و جمع یا سنت‏ها و آیین‏های رایج ناساز مانند هزل، هجو، فکاهه، مزاح و... جدا سازند.

در نوشتار زیر، به طنز پرداخته شده‏است ازنظر لفظ و مفهوم و با ارجاع به منابع عربی و اروپایی. متأسفانه نشانی از جست و جوی نویسنده درمتون زبان فارسی دیده نمی‏شود.

هر دوره ادبی را، سبکی خاص و معروف است که به کمک آن، ادیبان آنچه را که در ذهن و خاطرشان می‏گذرد، بیان کنند. علاوه براین، ادبیات سلاحی است بران در دستان فرزندان جامعه برای دفاع از حقوق پایمال شده مردم و دراین میان، سبک و روش طنزآمیز در ادبیات یکی از بهترین سلاح‏ها برای رسیدن به این هدف است. زیرا زبان «طنز» یکی از روش‏های بیانی، در ادبیات است که از قدرت تأثیرگذاری فراوانی بر ذهن خواننده یا شنونده برخوردار است.

لفظ «طنز» هرچند که در زبان عربی کاربردی در صیغ مختلف دارد اما برای بیان آنچه که معنی لفظ «طنز» فارسی را به زبان عربی بیان کنیم از لفظ «السخریه» استفاده می‏کنیم و دراصطلاح غربی آن لفظ «آیرونی» ) Irony( را معادل قرارمی‏دهیم.

«طنز» در کتاب لغت «لسان العرب» تعریفی این چنینی دارد: طنز به معنی مسخره‏گرفتن و دست‏انداختن و «طناز» کسی است که این عمل را به کثرت انجام دهد و چنانچه بخواهد مردمی یا گروهی را نکوهش کنند، گویند «هوءلاء قوم مطنزه» یعنی این که: آن قوم نفس خویش را سبک شمرند و هیچ امید انجام کار نیک از آنان نرود.(1)

اما کاربرد اصطلاحی آن، تعریف چنین دارد که:«شکل بیانی از شعر یا نثر است، که در کار یا سخن یا نوشته‏ای آورده شود و بیانگر معایب و مفاسد و رذایل فرد یا گروهی باشد، به شرط آن که باعث انگیزش خنده در خواننده یا شنونده گردد.»(2)

البته دراین تعریف، اختلاف نظر فراوانی وجود دارد، بعضی‏ها براین عقیده‏اند که:طنز، بیانگر عیوب یا زشتی‏ها است، اما این بیان نباید به درجه‏ای از آزار یا مجروح ساختن احساسات شخصی تبدیل گردد. یعنی طرز بیان به اندازه‏ای لطیف و با ظرافت آورده شود، که حتی شخص مورد نظر نیز خودرا از آن ویژگی بدور بداند و همراه با دیگران، لبخند بر لب‏هایش بشکفد.

اما در ادبیات غرب کلمه «ایرونیا» ( eironeia)، صنعتی بود برای بیان گفتار یکی از شخصیت‏های کمدی یونان قدیم، معروف به «ایرون» ( eiron). این شخصیت از ویژگیهای برخوردار بود که می‏توان به لاغری، کوتاهی، بدسرشتی و زیرکی باطنی او اشاره کرد و این که همیشه در نبرد با شخصیت «الازون» ( alaxon) مغرور و احمق و پیروز بود و به طور معمول سلاح او دراین نبرد، نیرنگ و پنهان نمودن قدرت و زیرکی خود از دیگران بود. (3)

نوشته‏های طنزآمیز، در نزد غربیان، برای اولین بار به وسیله شاعران و نویسندگان یونانی و رومی آغاز شد، از مشهورترین شخصیت‏های آن دوره، می‏توان به: اریستوفان (4) (448 -388 ق. م) و هوراسیوس (5) (8، 65 ق. م) و جوفینال (6) (60-140 م ) اشاره کرد.

در قرون وسطی می‏توان آثار طنزی را در بعضی از داستان‏های «کانتربری» نوشته «چوسر» (7) و در عصر نهضت در نوشته‏های «رابله» (8) و اثر مشهور «سروانتس» یعنی «دن کیشوت» (9) مشاهده کرد.

و در عصر حاضر، طنز به عنوان هنری قائم به ذات، جایگاه خود را در ادبیات غربی یافته و ادیبان برجسته در این هنر، مشهور گشتند، همانند: آنتوان چخوف (10)، آناتول فرانس (11)، برنارد شاو (12)، ادوارد آلبی و گونترکراس.

چنانچه بخواهیم تعریف دقیقی از «طنز» داشته باشیم. باید گفت: «طنز»، گونه‏ای از هجو است، با این تفاوت، که درهجو به طور معمول زبان گفتاری یا نوشتاری، برنده‏تر و تلخ‏تر وبه صورت مستقیم ( FORMAL) است و شخص یا گروه موردنظر، به طور مستقیم موردعیب و نکوهش قرار می‏گیرند. اما در طنز، روش بیان غیر مستقیم ( INFORMAL) است و طنزگو، تنها عیوب را به طور کلی بر می‏شمارد و نمایان می‏سازد، در حالی که شخص یا گروه مورد نظر مضحکه و مورد تحقیر دیگران قرار میگیرند اما خنده بر لبانشان شکوفاست، از این گذشته طنز صراحت بیان هجا را ندارد.

از سوی دیگر، گروهی گمان می‏برند که لفظ طنز معادل لفظ کمدی است. در واقع این گفتار صحیح نیست، درست است که وجه اشتراکی بین این دو وجود دارد و آن خندیدن است ولی در طنز از پس هرخنده، هدف و فلسفه‏ای نهفته است اما در کمدی خنده برای خنده است، پس می‏توان گفت که طنز وسیله‏ای جهت رسیدن به هدف است نه خود هدف.

در نوشته‏های طنزآمیز، شخص ادیب یا هنرمند، به طور معمول شخص خاصی یا گروهی یا ملتی یا قومیتی را مورد هدف خویش قرار می‏دهد و گاهی نویسنده قهرمان، داستان‏هایش را مورد طنز و سخریه قرار می‏دهد و احتمال دارد که یک نویسنده خود را نیز مسخره و در زیر شلاق‏های طنز خویش، قرار دهد تا به هدف مطلوب دست یابد. که در این صورت همانطور که ادونیس (13) می‏گوید: «نویسنده باید خیلی انسان شریف و بزرگواری باشد تا خود را مسخره و مورد طنز قرار دهد تا به هدف مورد نظر دست یابد. زیرا معمولاً انسان سعی می‏کند دوست، همسایه یا هر کس دیگر جز خویشتن را سوژه‏ای برای طنز خود قرار دهد». (14)

و اگر بخواهیم انگیزه‏های روی آوردن به طنزگویی را بیان کنیم می‏توان یکی از علل زیر را برای روی آوردن نویسنده به طنز برشمریم:

1- گاهی استفاده از طنز در نزد یک شاعر یا نویسنده، نوعی از انتقام است، که شاعر به سبب اهانت‏ها و خواری‏هایی که بر او روا شده، مورد استفاده قرار می‏دهد. «طنز بیانگر یک حالت روحی است، بدین شکل که جامعه با عدم توجه و بی‏اهمیت شمردن شاعر، او را خرد می‏کند و شاعر درمقابل با روی آوردن به طنز و سخریه از آنان انتقام می‏ستاند». (15)

2- عده‏ای دیگر از شاعران یا ادیبان «طنز» را سلاحی برای دست یافتن به حقوق از دست رفته خویش - حداقل در تصور شاعر - می‏دانند.

3- گروه دیگر از ادیبان «طنز» را روش مناسبی برای آگاه ساختن یا مجازات ظالمان و اشرار می‏دانند، بدون آن که بخواهند خویشتن را در معرض خطر قرار دهند.

4- و بعضی اوقات شاعر «طنز» را وسیله‏ای برای جبران آنچه که خود از آن محروم است، زیبایی ظاهری، ثروت، مقام و... به شمار می‏آورند.

این چند مورد، بعضی از انگیزه‏های روی آوردن شاعران و ادیبان به طنز است که با توجه به محدودیت موضوع مقاله نمی‏توان بیش از این، آن را گسترد.

«طنز و مردم»

دستاوردهای فکری هر ملتی، به طور معمول، درنوشته‏های مختلف آنان که درباره اتفاقات حقیقی و واقعی آورده می‏شود به وسیله نویسندگان عرضه می‏شوند و می‏توان آن اتفاقات را درنوشته‏های آنان به روشنی یافت.

بدون شک این نوشته‏ها، که بیانگر گرایش‏های هر ملت است با یکدیگر متفاوتند، زیرا هرگروه یا جامعه‏ای گرایش خاص خود را داراست.

از این جهت می‏توان گفت: که: هر ملتی طنز و طنزسرایان خاص خود را دارد زیرا هر جامعه‏ای صفات و ویژگیهای خود را داراست که با دیگران متفاوت است. به عنوان مثال، قوم عرب به بلاغت درسخن وری شهره‏اند و این صفت،اغلب مایع طنزی درنزد نویسندگان و شاعران ازقدیم الایام بوده است و تأکیدی بر این نکته است که طنز هر قومی، تحت تأثیر محیطی است که درآن زندگی می‏کنند.

از سوی دیگر، اگر به دلالت‏های اخلاقی طنز بنگریم، خواهیم یافت که: طنز بیانگر رابطه شخص با برادر، فرزند، دوست، میهمان و حتی رابطه شخص با خودش، است. و از خلال آن می‏توان عادات و رسوم افراد یک قوم را در منزل و خارج از آن، درسفر، عزا، عروسی، مورد بررسی قرارداد. و رفتار و برخورد انسان‏های ثروتمند و فقیر و قاضی و بازرگان و پیر وجوان را ارزیابی کنیم.

نکته دیگری که باید به آن توجه داشت این که،اقوام مختلف هریک ممکن است صفتی را ناپسند و نکوهیده بپندارند، درصورتی که همان صفت در نزد اقوام دیگر صفت ناپسندی به شمار نیاید. به عنوان مثال، قوم عرب بخل را نمی‏پسندند و انسان بخیل را، به ریشخند می‏گیرند، درحال که اهالی اسکاتلند یا یهودیان آنچه را که عرب بخل می‏داند، صرفه جویی و دوراندیشی می‏دانند و ممکن است بسیاری از کارهایی که درنزد مردم اسپانیا، شجاعت و دلاوری نامیده می‏شود درنزد ملت‏های دیگر، نوعی حماقت و خیره سری به شمار آید.

و درپایان ذکر این نکته به عنوان افق‏هایی جهت بحث و پژوهش درهنر طنز برای کسانی که قصد تعمق و تفحص دراین صنعت را، چه در ادبیات فارسی یا عربی و هر ادبیات دیگر دارند، می‏تواند راهگشا باشد.

1-طنزگویی و طنزنویسی درگونه‏های مختلف ادبی آن (شعر، نثر، کاریکاتور، نمایشنامه و...) صنعت ادبی نو خواسته‏ای درعصر حاضر نیست، بلکه ریشه‏های عمیقی دردوره‏های پیشین ادبی دارد.

2-فرهنگها و تمدن‏های مختلف تاثیرات گوناگونی را بر ذوق طنزآمیز یکدیگر برجای نهاده‏اند. که می‏توان آن را از خلال بررسی این گونه متون در فرهنگهای مختلف به دست آورد.

3- اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی وفرهنگی تأثیر به سزایی دربیان اندیشه‏ها و احساسات به روش طنزآمیز داشته است.

4-روی آوردن به سبک‏های طنزآمیز توسط نویسندگان و شاعران، اغلب وسیله‏ای مناسب جهت گرفتن انتقام ازطرف مقابل بوده است، که به طور مفصل دراین زمینه سخن به میان آمد.

5- بیان و شرح هر موضوعی به روش طنزآمیز، باعث می‏گردد که خوانندگان، خواص و عوام، با علاقه و عشق فراوانی بحث را دنبال کنند.

پی نوشت‏ها:

1- ابن منظور، لسان العرب، ریشه«طنز».

2- العقاد،عباس محمود، جحا الضاحک المضحک، ص 26.

3-وهبه، مجدی،معجم اللمصطلحات فی اللغه و الأدب، ص 198.

4- أریستوفان ) Aristophanes( : نمایشنامه نویس یونانی و بزرگترین شاعر کمیک درادبیات یونان قدیم. (منیرالبعلبکی، موسسه المورد، معجم اعلام، ص 8)

5-هوراسیوس یا هوراتیوس ) Horatius(: از شاعران معروف عصر طلایی که از او آثار مشهوری همانند:«هنر شعر»، «هجائیات»، «نامه‏ها» برجای مانده.

6-بنیانگذار سبک طنزآمیز جوفینالینی:

) Juveallian Satire(.

7-جفری چوسر ) Geoffery Chaucer( مشهورترین شاعران انگلیسی پیش از شکسپیر.

8- فرانسوا رابله، ادیب فرانسوی که درنوشته‏هایش، طنز را با جدیت می‏آمیخت.

9- دون کیشوت ) Don Quijote( رُمان مشهور اسپانیایی که سروانتس آن را بین سال‏های 1604تا 1614 نوشت به عنوان یکی ازشاهکارهای ادبی جهان به شمار می‏آید.

10- آنتوان پابلویچ چخوف ) Anton Pavloich/ Chekhof(، نمایشنامه نویس و داستان نویس مشهور روسی.

11- آناتول فرانس ) Anatole France( نویسنده مشهور فرانسوی، که اغلب نوشته‏هایش سرشار از طنزاند، همانند: «تاییس» و «زنبق سرخ» و ...

12- جُرج برنارد شاو ) George Bernard Show( نویسنده و نمایشنامه نویس ایرلندی.

13- علی أحمد سعید، شاعر، منتقد، اندیشمند بزرگ سوری، که تخلص «أدونیس» را برای خود برگزید.

14-أدونیس، مقدمه للشعرالعربی، ص 40.

15- أدونیس. همان.